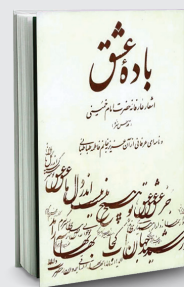


باده عشق



بخشی از غزلیات و رباعیات امام خمینی(ره) و نامه عرفانی ایشان به خانم فاطمه طباطبایی، همسر مرحوم حاج سیداحمد خمینی است. حضرت امام در این کتاب توصیه‌های مفیدی در جهت کسب علم، تهذیب نفس و اخلاص در عمل بیان کرده‌اند. کتاب باده عشق مقدمه‌ای به قلم خانم فاطمه طباطبایی دارد.

دیوان امام



دیوان امام مجموعه‌ای از غزلیات، رباعیات، قصاید، مسمط‌ها و دوبیتی‌های عرفانی به جا مانده از سروده‌های امام خمینی(ره) است. پیش از چاپ اشعار عارفانه امام خمینی(ره)، تصویری که مردم از بنیان‌گذار جمهوری اسلامی در ذهن داشتند، تصویر مجاهدی نستوه و سازش‌ناپذیر بود که با اعلامیه‌ها و سخنرانی‌های انقلابی و آتشین خود، نه تنها آتش در خرمن استبداد و اختناق ستم‌شاهی زده بود، بلکه روح بیداری و آزادی‌خواهی را در کالبد همه مستضعفان جهان دمیده بود.

حجت‌الاسلام مهدی شبان به واکاوی جنبه‌های مختلف شخصیتی حضرت امام^{ره} تأکید دارد



تحریف جامعیت حضرت امام^{ره}

حضرت امام خمینی(ره) شخصیت جامعی داشتند و سعی می‌کردند این جامعیت را در باطن و ظاهر افراد و اجتماعات سرایت دهند. اساسا رشد حقیقی انسان که به مرتبه خلیفه‌اللهی برسد، به این است که جمع ظاهر و باطن و وحدت و کثرت داشته باشد و این رشد را می‌توان در امام(ره) دید. این موضوعی است که حجت‌الاسلام مهدی شبان، نویسنده و پژوهشگر در مکتب امام(ره) به آن تأکید دارد. او معتقد است واکاوی جنبه‌های مختلف شخصیتی حضرت امام(ره) بسیار خوب است اما تقلیل حضرت امام(ره) به یک یا دو جنبه، جفا به این شخصیت جامع است. در ادامه بخش‌هایی از صحبت‌های او پیرامون شناخت جامع حضرت امام(ره) را می‌خوانیم.

هستند. پس کلیه علوم نافع، منقسم شود به این سه علم؛ یعنی، علمی که راجع است به کمالات عقلیه و وظایف روحیه و علمی که راجع به اعمال قلبیه و وظایف آن است و علمی که راجع به اعمال قالبیه و وظایف نشئه ظاهر نفس است.»

علاوه بر علوم که متناظر این ساحت‌های انسانی است، مراتب عالم هستی نیز متناظر این عوالم شکل گرفته است. عالم عقل و روح، عالم مثال و برزخ، عالم طبیعت و ماده. دین نیز به تبعیت این ساحت‌های جامع انسانی، هویتی جامع دارد که آن هم متناظر این ابعاد انسانی است. این سه ساحت بر یکدیگر اثر می‌گذارند و لذا کم‌رنگ شدن یک ساحت، اثرش در سایر ساحت‌ها دیده خواهد شد.

امام^{ره} جامعیت را در باطن و ظاهر جامعه سرایت دادند

شخصیت حضرت امام(ره) بر اساس همین نظریه جامع انسانی، از جامعیت ویژه‌ای برخوردار است و نباید او را منحصر در یک کار و یا یک جلوه علمی کرد. او سیاستمداری است که اخلاق را وارد سیاست کرده است و استاد اخلاقی است که مبارزه با شیطان درونی را مقدمه مبارزه با شیطان برونی می‌داند و مظهر تام آن را آمریکا می‌داند، لذا مبارزه با استکبار ادامه کار اخلاقی و عرفانی امام(ره) است.

مبانی معرفتی و هستی‌شناسی و فلسفی امام(ره) در سایر علوم قالبی مثل فقه و اصول مؤثر است. معنویت او معنویت جامع است؛ هم به مباحث نفسانی و اخلاقی فردی توجه دارد و هم حضور اجتماعی را در راستای تربیت ضروری می‌داند. هم خلوت دارد هم جلوت. هم به ظاهر شریعت عنایت دارد و هم از باطن دستورات دینی غفلت ندارد.

هم عقلانیت دارد و هم معنویت. هم اندیشه و تعقل را پرورش می‌دهد و هم قلب و روح را. هم مدیریت یک کشور جنگ‌زده تازه انقلاب کرده را می‌کند و هم در اوج جنگ اشعار عارفانه می‌سراید. هم از باطنی‌ترین امور عالم خبر دارد و نظر می‌دهد و صحبت می‌کند و هم برای اداره کشور قالب‌ها و نهادهای مختلف تشکیل می‌دهد و در جزئیات ظاهری وارد می‌شود.

حرکت به سمت جامعیت حضرت امام^{ره}

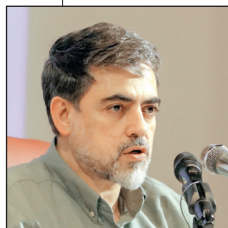
همه اینها یک شخصیت جامع از حضرت امام(ره) شکل داده است و ایشان این جامعیت را سعی کردند در باطن و ظاهر افراد و اجتماعات سرایت دهند. اساسا رشد حقیقی انسان که به مرتبه خلیفه‌اللهی برسد به این است که جمع ظاهر و باطن و وحدت و کثرت داشته باشد و این رشد را می‌توان در امام(ره) دید.

لذا واکاوی جنبه‌های مختلف شخصیتی حضرت امام بسیار خوب است، اما تقلیل حضرت امام(ره) به یک یا دو جنبه، جفا به این شخصیت جامع است. امام(ره) را جامع بشناسیم و به سمت جامعیت حضرت امام(ره) حرکت کنیم.



سیدمحمد صالح هاشمی گلیپگانی، دبیر سابق ستاد امر به معروف و نهی از منکر

بخشی‌نگری به کلمات امام^{ره} در زمان ایشان هم شایع بود



دو تحریف اصلی با توجه به شرایط امروز جامعه راجع به اهداف امام(ره) مشاهده می‌شود. نخستین تحریف این است که امام(ره) را به وضع موجود تطبیق بدهیم. یک جوری امام(ره) را تفسیر کنیم که به کسی و شرایطی در امروز برخورد.

در همین بحث امر به معروف و نهی از منکر، امام(ره) در همان ابتدا که شورای انقلاب تشکیل شد، دستور تشکیل یک نهادی را صادر کردند که امر به معروف را در جامعه اقامه کند، مستقل از دولت که کل حاکمیت را امر به معروف و نهی از منکر کند و حتی اگر رئیس دولت و رهبر هم خطایی بکنند، بتوانند نهی از منکر کنند.

جمله حضرت امام^{ره} این است:

«ما مبارزه با فساد را با دایره امر به معروف و نهی از منکر که یک وزارتخانه مستقل بدون پیوستگی به دولت، با یک همچو وزارتخانه‌ای که تأسیس خواهد شد، ان شاء الله مبارزه با فساد می‌کنیم؛ فحشا را قطع می‌کنیم؛ مطبوعات را اصلاح می‌کنیم؛ رادیو را اصلاح می‌کنیم؛ تلویزیون را اصلاح می‌کنیم؛ سینماها را اصلاح می‌کنیم.»

حالا شما سینمای زمان حضرت امام(ره) را با اوضاع سینمای فعلی مقایسه کنید؛ ضرورت وجود چنین نهاد مستقل و قدرتمندی را دوچندان خواهید دید. امام(ره) بقای اسلام را به امر به معروف و نهی از منکر می‌داند. حفظ نظام که واجب واجبات است، باید با احیای این فریضه رقم بخورد.

امروز جایگاه امر به معروف کجاست؟ یک ستاد کوچک در کنار بقیه ستادها مثل احیای دریاچه ارومیه و هامون و...

تحریف دیگر این است که گونه‌ای امام(ره) را معرفی کنیم که بالاترین دغدغه ایشان را حفظ ساختارهای نظام بدانیم. نظام را مساوی با مسئولان نظام تلقی کنیم و کلامی علیه یک مسئول را تضعیف نظام بدانیم. در حالی که مدنظر امام(ره) این بود که یک قدرت همگانی پویای دارای حیات مردمی غیروابسته به دولت ایجاد کند که بر همه ارکان کشور و مسئولان نظارت کنند. به همین جهت تأکید روی استقلال این نهاد می‌شود.

این تحریف ریشه در این دارد که بخشی از کلام و بیان امام(ره) را اخذ کنیم و از بقیه کلمات ایشان غفلت کنیم؛ همان «تَوْمَنُ بَعْضُ وَ نَكْفُرُ بَعْضُ» که در قرآن آمده است. شبیه همین رویکرد در نسبت با کلمات رهبری هم دیده می‌شود. مثلا در همین مسئله حجاب ایشان هم تأکید بر حرام سیاسی و شرعی بودن بی‌حجابی دارند و اینکه حکومت اسلامی هم در این زمینه موظف به تکالیفی است و هم از سوی دیگر ضعیف‌الحجاب‌ها و یا حتی بی‌حجاب‌ها را دختران خودمان می‌دانند و آنها را دارای گرایش‌های معنوی می‌دانند و اینکه باید در برخورد با اینها کرامت ایشان حفظ شود.

به وضوح می‌بینیم عده‌ای فقط قسمت اول را توجه می‌کنند و عده‌ای هم قسمت دوم را. در زمان امام(ره) هم همین بخشی‌نگری به کلمات امام بسیار شایع بود.